



زهره یزدی که هنر قالی بافی را از پدر بزرگش به ارث برده، حالا یک کارآفرین و صادرکننده فرش است

## جمع نشدن دارِ آقابابا



رنگ عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

اهالی محله استاد یوسفی از توقف و تردد خودروها در پیاده‌روهای بولوار شاهد گلایه دارند

۳

مسیر عابران در تصرف خودروها

بخشی از بولوار استاد یوسفی منطقه ۱۰ به نام شهید دانشمند هسته‌ای تغییر نام پیدا کرد

۷

یاد طهرانچی بر تابلو شهر

کاپیتان تیم ملی فانکشال فیتنس از پیچ‌وخم سختی‌ها به موفقیت رسیده است

قهرمانی، سبک زندگی ام است

۶



۹

شما می توانید اخبار کوچه و محله تان را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام رسان ایتا ارسال کنید.



## دوشنبه های فرهنگی اهالی شقایق در پارک لاله

مراسم فرهنگی هیئت منتقم الحسین (ع) هر دوشنبه پس از نماز مغرب و عشاء در نمازخانه بوستان لاله برگزار می شود. این برنامه ها با هدف تقویت همبستگی اجتماعی و ترویج فرهنگ دینی، متناسب با مناسبت های مختلف مذهبی و ملی برپا می شود. در این مراسم، بسته به ایام، برنامه های متنوعی از جمله سخنرانی، مدیحه سرایی، عزاداری یا جشن و سرور اجرا می شود. اهالی محله شقایق و ساکنان اطراف پارک لاله از مخاطبان اصلی این برنامه ها هستند و حضور پر شور آن ها نقش مهمی در پویایی فعالیت های فرهنگی این هیئت دارد.



## تمرین نجات در دل دانشگاه فردوسی

رضاریاچی مانور مشترک مدیریت بحران به مناسبت هفته پدافند غیرعامل در دانشگاه فردوسی برگزار شد. در این مانور که با مشارکت سازمان آتش نشانی، اورژانس و هلال احمر صورت گرفت، برخوردنمادین یک بمب به کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی شبیه سازی شد. در این مانور، نیروهای آتش نشانی با سرعت، عملیات اطفای حریق را آغاز کردند و هم زمان تیم های امدادی هلال احمر و اورژانس به برپایی چادر، انتقال و درمان مصدومان پرداختند. هدف از این تمرین، افزایش هماهنگی میان دستگاه های امدادی و ارزیابی آمادگی نیروها در شرایط بحرانی عنوان شده است. دانشجویان هم از نزدیک شاهد اجرای این مانور بودند و با فعالیت تیم های امدادی آشنا شدند.



## در مسجد محله عقدکنان داشتیم

مسجد امام حسین (ع) در پیروزی ۷۲ و محله لادن، میزبان مراسم عقد یک زوج جوان بود. این مراسم در راستای ازدواج آسان صورت گرفت. اهالی بولوار پیروزی ضمن حضور در این جشن، ۱۸ میلیون تومان به عروس و داماد هدیه دادند. هماهنگ کننده این جشن ها، مریم حسینیان است. او تاکنون برای ده ها ازدواج تسهیلگری کرده است. همچنین سید مجتبی سلطانی، امام جماعت مسجد امام حسین (ع)، مساعدت ویژه ای در برگزاری جشن های ازدواج در مسجد دارد. این موضوع باعث شده است برای عروس ها و دامادها روز خاطره انگیزی ثبت شود و حتی مهمانان برای برگزاری مراسم ازدواج خودشان در مسجد علاقه مندی نشان دهند.



## نامه ای به رفیق شهیدم

پایگاه بسیج خواهران مسجد جوادالائمه (ع) در محله هاشمیه با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ایستگاهی ویژه بانوان برپا کرده است. در این ایستگاه، بانوان در فضایی صمیمی و معنوی پذیرایی می شوند و می توانند از منوی متنوعی شامل چای و دمنوش و شکلات داغ و... انتخاب کنند. در کنار این فضای دل انگیز، درختی آذین بسته به آویز قرار دارد که هر کدام دل نوشته ای کوتاه درباره یکی از شهدا را در خود جای داده است. این ابتکار که با عنوان «رفیق شهیدم» نام گذاری شده، با استقبال خوب بانوان محله همراه شده و لحظاتی معنوی و آرام برای آن ها رقم زده است.

جلسه مهرماه شورای اجتماعی محله اقبال با حضور اعضای شورا برگزار شد

## ایمنی دانش آموزان در اولویت

ریاچی جلسه مهرماه شورای اجتماعی محله اقبال با حضور اعضای شورا برگزار شد. اعضا در این نشست درباره موضوعات مختلف عمرانی و خدماتی از جمله پیگیری تبدیل چند قطعه از اراضی رهاسده و بدون استفاده به زمین های روباز ورزشی و چند منظوره گفت و گو کردند.

نصب سرعت گیر در مسیر بولوار لادن تا بولوار پیروزی برای افزایش ایمنی و روکش آسفالت پیاده روهای مقابل مدارس فرزنانگان، دستگیری و افشارنژاد از دیگر موارد مهمی بود که در نشست اعضای شورای اجتماعی محله اقبال به آن پرداخته شد.



## مدرسه آماده، دانش آموزان سالم

دوره آموزشی «مدرسه آماده» در برخی از مدارس منطقه ۹ برگزار شد. در این دوره آموزشی، نحوه پناه گیری درست، آماده سازی کیف اضطراری و ایمن سازی فضای منزل به بچه ها آموزش داده شد. دبستان دخترانه شهید تحقیقی، دبستان پسرانه محمد خانی در خاقانی و دبیرستان فاطمه الزهرا (س) در لادن ۲۲ از جمله مراکز آموزشی است که این دوره در آن برگزار شد.



۹

## سربری از درختان خطر ساز

پروژه «سامان دهی و سربرداری درختان خطر ساز» در باغ وکیل آباد اجرا شد. این پروژه با اهدافی از جمله حذف عامل بیماری زا و جلوگیری از گسترش آن به سایر درختان سالم باغ، رفع خطر سقوط شاخه های خشک و جلوگیری از آسیب به شهروندان و اموال عمومی و حفظ ایمنی عبور و مرور در یکی از فضاهای پر تردد سبز شهر مشهد اجرا شده است.

## اخطار برای سازه های خطر آفرین

در هفت ماه نخست سال جاری، واحد نظارت بر ساخت و سازه های منطقه ۹ تعداد ۱۱۰۶ اخطاریه صادر کرده است که از این تعداد، ۱۶۷۱ اخطاریه مربوط به ایمنی و نیز ۱۳۴۵ اخطاریه توقف فعالیت های ساخت و سازه بوده است. مهم ترین تخلفات گزارش شده شامل پیشروی طولی، ساخت طبقات مازاد و افزایش زیربنای غیر مجاز است.



اهالی محله استاد یوسفی از توقف و تردد خودروها در پیاده‌روهای بولوار شاهد گلایه دارند

## مسیر عابران در تصرف خودروها



رضایحی اپیاده رو عریض بولوار شاهد، در حد فاصل بولوار حجاب تا اندیشه، در ظاهر باید از منظم‌ترین و امن‌ترین مسیرهای شهری منطقه ۱ برای عابران باشد. اما در عمل به محلی برای توقف خودروها و فعالیت کسب و کارها و مشاغل مزاحم و پرسروصداتبدیل شده است. کف پوش‌های آسیب دیده و لکه‌های روغن، چهره مسیر را ناآرامش و کاردارد اصلی مسیر از بین برده است. اهالی می‌گویند بستن ورودی‌های پیاده‌رو از سمت بولوار شاهد، شاید تنها راه بازگرداندن آن به عابران پیاده باشد.

### کلونی مشاغل مزاحم

در حد فاصل بولوار حجاب تا اندیشه، بسیاری از مشاغل مزاحم جا خوش کرده‌اند که علاوه بر سروصدای فراوان، باعث کثیفی و ناآرامی مسیر هم شده‌اند. صالح میرزایی، یکی از اهالی است که در این باره به ما می‌گوید: این پیاده‌رو تا چند سال پیش تمیز و چشم‌نواز بود، سایه درختان بلند و مسیر پهن باعث شده بود این پیاده‌رو، به یکی از مسیرهای پرطرفدار برای قدم‌زدن تبدیل شود. اما در چهار پنج سال گذشته، پیاده‌رو بولوار شاهد در حد فاصل بولوارهای حجاب تا اندیشه به مرکزی برای کسب و کارهایی مانند تعویض روغن، تعمیرگاه، صافکاری تبدیل شده است. به گفته او بسیاری از خودروها، برای تعمیر داخل پیاده‌رو می‌روند و جای چرخ و چربی‌شان روی زمین می‌ماند. می‌گوید: وقتی باران می‌بارد، سطح پیاده‌رو لغزنده می‌شود و بوی یدش آزاردهنده است. واقعا حیف که مسیری به این وسعت، این طوری نظم و آلوده باشد. میرزایی ادامه می‌دهد: من نمی‌خواهم نان کسب و کارهای حاشیه بولوار شاهد را آجر کنم اما آن‌ها هم باید قدار اموال عمومی را باندند و از آوردن خودرو در پیاده‌رو خودداری کنند.

### پارکینگ خانه‌های بدون پارکینگ

یکی دیگر از اهالی که خودش را حامی آرمی معرفی می‌کند، به ما می‌گوید: خودروهایی که در مسیر پیاده‌رو بولوار حجاب تا اندیشه قرار دارند، فقط مختص تعمیرگاه‌ها نیستند. خیلی از اهالی که خانه‌شان پارکینگ ندارد، خودروهای خود را در این مسیر پارک می‌کنند تا امنیتش حفظ شود.

او ادامه می‌دهد: من چند بار با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتیم و گفتیم فکری به حال پارک خودروها در پیاده‌روهای بولوار شاهد کنند. هربار به ما قول داده‌اند که ورودی خودروها از سمت بولوار شاهد به پیاده‌روها را مسدود کنند، اما فعلا که خبری نیست.

خانمی که دست بچه‌اش را گرفته و مشغول پیاده‌روی در مسیر است، دیگر شهروندی است که با ما گفت و گو می‌کند. او که تمایلی ندارد اسمش را به ما بگوید، توضیح می‌دهد: کف پوش‌های پیاده‌روهای بولوار حجاب قدیمی است و با کوچک‌ترین فشاری از جا کنده می‌شود؛ به همین دلیل کف پوش‌های جلوتر تعمیرگاه‌ها تخریب شده است. مغازه‌دارها هم عین خیالشان نیست که بیت‌المال در حال از بین رفتن است؛ توی روی آدم نگاه می‌کنند و می‌گویند که شهرداری بیاید و درستش کند! انگار نه انگار که خودشان مسبب این وضعیت هستند.

### مسدود شدن ورودی خودروها

تردد و پارک خودروها در پیاده‌روهای بولوار شاهد، موضوع تماس یکی از اهالی در نشست آبان ماه شهردار منطقه ۱۰ در سامانه ۱۳۷ بود. وحید برجسته نژاد بعد از بازدید از محله به شهرآرامحله می‌گوید: جلوگیری از توقف خودروها در پیاده‌روهای بولوار شاهد در حد فاصل بولوارهای حجاب و اندیشه، درخواست بحق شهروندان است که باید عملی شود. او ادامه می‌دهد: طی بازدید انجام شده، نقاطی که باعث ورود خودروها به پیاده‌رو بولوار شاهد می‌شود، شناسایی شد و طی دو هفته آینده، عملیات مسدود کردن آن‌ها با بولوارهای بتنی اجرا می‌شود.

## مردم و مسئولان منطقه مادر سامانه ۱۳۷



ریاحی اوخید برجسته نژاد، شهردار منطقه ۱۰ به همراه سعید میرسعیدی، معاون فنی و اجرایی منطقه، هفته گذشته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ گفت. این گفت و گو حدود یک ساعت و نیم طول کشید.

تعداد پیام‌های مردمی  
۲۳ تماس

### شهرآرامحله پیگیری می‌کند

شهرآرامحله در هفته‌های آینده، موضوع مرمت پل هوایی نبش معبر پیامبر اعظم ۷۵ و درخواست جانمایی باکس زباله در معبر شهید فلاحی ۳۱ را پیگیری خواهد کرد.



### حوزه فنی و عمران

درخواست‌های تعریض معبر ابراهیم، مرمت پل هوایی نبش معبر پیامبر اعظم ۷۵، نصب بولاردهای بتنی برای جلوگیری از تردد خودروها در پیاده‌روهای بولوار شاهد، مرمت پیاده‌روهای بولوار ادیب در حد فاصل ادیب ۳۶ و ۳۸، بازگشایی معبر شهید ثنائی ۳، لکه‌گیری آسفالت معبر شهید ثنائی ۴، اصلاح ورودی شیب‌دار خیابان پیامبر اعظم ۵۳ و درخواست روکش آسفالت معبر صفدری ۲۲، موضوع ۸ تماس اهالی در این حوزه بود.



### حوزه فضای سبز

در این حوزه ۷ تماس برقرار شد و شهروندان درخواست جمع‌آوری برگ‌های خشک درختان برای تهیه کود، رسیدگی به پروژه نیمه‌تمام بوستان جنگلی فاطمیه ۷، احداث فضای سبز در اطراف مخزن آب خیابان شهید فلاحی ۴، بهبود روشنایی بوستان فدک، بهبود روشنایی نمازخانه بوستان شاهد، هرس درختان بوستان پرستو و بهسازی لکه‌های فضای سبز خیابان شهید محمدی را مطرح کردند.



### حوزه خدمات شهری

در این بخش ۶ تماس برقرار شد و شهروندان درخواست رسیدگی به زمین‌های رها شده انتهای معبر شهید محمدی ۱۰، رفت و روب معابر امام‌هادی ۱۰، توس ۵۲ و فلاحی ۶۴، نظافت باکس‌های زباله مقابل بیمارستان طالقانی و درخواست جانمایی باکس زباله در معبر شهید فلاحی ۳۱ را مطرح کردند.



### حوزه شهرسازی

شهروندان طی ۲ تماس تلفنی درخواست صدور مجوز تجاری دائم برای مغازه‌های بولوار امامیه و رسیدگی به ساخت و سازهای غیرمجاز در خیابان امام‌هادی ۱۲ داشتند.



داستان جلد

زهره یزدی که هنر قالی بافی را از پدر بزرگش به ارث برده  
حالا یک کارآفرین و صادرکننده فرش است

## جمع نشدن دارِ آقابابا

فهیمة شهری خودش را نسل سوم قالی بافان خانواده یزدی می داند. از صد سال پیش که آقابابا (پدر بزرگش، آقابرآت...) در تربت حیدریه کارگاه داشته و رعیت ها، بچه هایشان را به قیمت سالی یک تومان برای کار پیش او می فرستادند تا در کارگاهش کار کنند. این هنر در خانواده یزدی دست به دست شده است.

زهره یزدی خشت مال، میراث دار هنر پدر و پدر بزرگش است و از پنج سالگی پای دار قالی بزرگ شده است. او از صفر تا صد کارهای قالی بافی را انجام می دهد؛ خودش نخ ها را رنگ می کند، طرح و نقشه می دهد، چله کشی می کند و می بافت. زهره خانم یک کارآفرین در این عرصه است و صد ها نفر با آموزش هایش پای دار قالی نشسته اند و درآمد دارند.

این شهروند محله فرهنگیان فقط در منطقه قاسم آباد به بیش از پانصد نفر قالی بافی آموزش داده است. او همچنین با افرادی در ترکیه و قم مرتبط است که برایشان فرش های بافته شده هنر جوینانش را می فرستد و آن ها این فرش های ایرانی دست باف را به خارج از کشور می رسانند.

### بزرگ شدن پای دار قالی

رج به رج زندگی این بانوی هنرمند با

قالی بافی گره خورده است و بسیاری از خاطرات و فعالیت هایش ردی از این هنر دارد. به قول خودش پای دار قالی بزرگ شده است. او تعریف می کند: آقابابا (پدر بزرگم) جزو استادکارهای قدیم بوده و کارگاه بزرگی پراز دار و کارگر قالی بافی داشته است. پدرم تا مدتی با پدر بزرگم کار می کرد اما بعد از دواج یک کارگاه مستقل برای خودش تشکیل داد. برایم تعریف کرده است که در زمان آقابابا بچه ها را از پنج سالگی پای دار قالی بافی می گذاشتند تا کار کنند اما وقتی پدرم کارگاه زد، چون بعد از انقلاب بوده است، بچه ها بیشتر به مدرسه می رفتند و اغلب خانم ها پای دار قالی

می نشستند.

او ادامه می دهد: بعد ها پدر بزرگم کارگاهش را به پدرم داد که آن زمان خانه اش در تربت حیدریه بود. حدود صد کارگر داشتیم. سالی دوتن نخ را رنگ می کردیم. مادرم همیشه نخ باز می کرد و من هم کمکش می کردم.

زهره خانم از سال ۶۱ که دختری پنج ساله بود، پای دار نشست است. او تعریف می کند: اولین بار که نشستم، به جای «پاک» (چاقوی پهن و تیزی که با آن نخ را برش می دهند) یک چوب به من دادند. هنوز آن چوب و ذوقی که از کار کردن با آن داشتم در خاطر هست. کمی که یاد گرفتم، پدرم پاک می مخصوص را به من داد. خیلی علاقه داشتم.

هر بار پدرم می خواست نخ رنگ کند، بدوید و می رفتم پیشش و تماشا می کردم. بیشتر از اینکه کنار کارگاه باشم، می رفتم کنار حرفه ای ترها. آن ها هم چون بچه استادکار بودم، تحویل می گرفتند. در عالم کودکی می خواستم از بقیه جانانم؛ گره ها را بلند بلند می زدم تا هر طور شده به آن ها برسم.

او در هجده سالگی ازدواج کرد و در جهیزیه اش یک دار قالی هم با خود برد. حدود سال های ۸۴ که تابلو فرش مد شده بود، یکی بافت و به نمایشگاه فرستاد. او در این سال ها مدرک مربیگری اش را گرفت و از سال ۸۵ زیر نظر اتحادیه قالی بافی، آموزشگاهی را دایر کرد. زهره خانم از سال ۹۵

با آموزشگاه فنی و حرفه ای نجه مشهد در قالب استاد شاگردی همکاری کرد و از سال ۱۳۹۲ آموزشگاه فنی و حرفه ای آزاد راه انداخت. این بانوی کارآفرین در دانشگاه هنر نیشابور هم سابقه تدریس در رشته رنگرزی را داشت. او تعریف می کند: اولین هنر جویم یک دختر جوان بود. خانه شان کوچه پشتی ما بود. وقتی یاد می گرفت، خیلی خوشحال بود. این هنر را دوست داشت اما بعد که دید بازار فرش دست باف زیاد خوب نیست، دلسرد شد. دومین هنر جویم همسایه کناری مان به نام مهناز امیری بود. آمد، یاد گرفت و این قدر ادامه داد تا اینکه خودش مربی شد. الان هم رفوگر خیلی خوبی است.



## زندگی من با همین هنر می چرخد

سیده زهرا سیادت از بانفده‌هایی است که با زهره خانم کار می‌کند. او از کودکی و توسط خواهرش قالی بافی رایاد گرفته است اما حدود ۱۰ سال پیش به آموزشگاه این کار آفرین رفته تا گلیم بافی و تابلوفرش را هم یاد بگیرد. از آن موقع جزو بانفده‌های او شده است و دارد کار می‌کند.

وقتی از او درباره رضایتش از این رشته و هنر می‌پرسیم، با صدایی رسا می‌گوید: کل زندگی من با همین هنر می‌چرخد. از سال‌ها پیش شوهرم بیمار است و چندان نمی‌تواند کار کند؛ من چسبیده‌ام به همین قالی بافی.

سیادت گرچه گلابیهایی از حمایت نشدن بانفده‌ها دارد. چنان عشقی به کارش دارد که به گفته خودش حتی حالا که بازنشسته شده، کار را رها نکرده است.

الیه ربانی پور، یکی دیگر از هنرجویان زهره یزدی است. او تعریف می‌کند: حدود هشت سال پیش یکی از دوستانم رفته بود از خانم یزدی تابلوفرش خریداری کند. از طریق او متوجه شدم کارگاهشان نزدیک خانه ماست. یک روز رفتم سر زدم و دیدم جوی صمیمی و خوب دارد. علاقه مند شدم و در دوره‌هایشان شرکت کردم. ربانی به مرور فرش بافی، گلیم بافی و بافت تابلوفرش را یاد می‌گیرد و با تشویق یزدی، در دوره‌های مربیگری شرکت می‌کند. حالا او در کارگاه یزدی کمک کارش است و به هنرخواها آموزش می‌دهد.

ربانی می‌گوید: خدا خیرش دهد؛ خانم یزدی همه جوهره‌ها را حمایت کرد تا به اینجا رسیدم. نه اینکه فقط برای من این طور باشد؛ به طور کلی همه دغدغه‌اش این است که این هنر را زنده نگه دارد و در این راه خیلی جان سخت است.

## هنر قالی بافی در خون و جان ایرانی

ربانی حالا مدتی است که دارد کنار یزدی رنگری رایاد می‌گیرد. اومی گوید: خانم یزدی هر بار رنگری می‌کرد، با دیدن او، من هم سر ذوق می‌آمدم و می‌گفتم بروم این عرصه را یاد بگیرم.

او تعریف می‌کند: یک بار با عجله داشتیم رنگ می‌کردیم که دست خانم یزدی در پاتیل سوخت. با اینکه می‌دانستیم خیلی درد دارد، اما به روی خودش نمی‌آورد. همان موقع داشتند مستندی از او تهیه می‌کردند و با دست سوخته، کارهای مستند را انجام می‌داد.

ربانی ادامه می‌دهد: رنگری بابت این طور است که وقتی در پاتیل قرار دارد رنگ ندارد. اما بعد که آن را روی بند می‌اندازند، هی رنگ عوض می‌کند. من این را نمی‌دانستم و اولین بار که دیدم رنگ نخ‌ها متفاوت است، فکر کردم خراب شده. اما بعد که متوجه موضوع شدم، آن قدر از دیدن این تغییر رنگ‌ها به وجد آمدم که برای همه تعریف می‌کردم.

او آن قدر از حضور در عرصه قالی بافی رضایت دارد که اطرافیان‌ش را تشویق کرده و چند نفر از اقوام و همسایه‌هایش آمده‌اند تا این هنر را یاد بگیرند. ربانی می‌گوید: این هنر در خون و جان همه ایرانی‌هاست؛ فقط حیث که حمایت نمی‌شود، وگرنه می‌دیدید چطور همه خانم‌ها جذبش می‌شوند و پای دار می‌نشینند.



## آموزش قالی بافی به روستاییان

زهره یزدی در ادامه راهی روستاها شد. او تعریف می‌کند: یک نفر بود که خودش در روستا بزرگ شده بود. آن موقع که اسم و رسم پیدا کرده بود، دلش می‌خواست کاری برای مردم روستایش انجام دهد. در این راستا از من خواست به آنجا بروم و قالی بافی را به مردمشان آموزش دهم.

این بانوی کار آفرین می‌گوید: در روستای چخماق تربت حیدریه به هفتاد نفر آموزش دادم. یک ماه تمام آنجا بودم و بعد که مطمئن شدم همه‌شان کار را یاد گرفته‌اند، آمدم سر خانه و زندگی‌ام. او در روستای مرند یزگناباد به سیصد نفر گلیم بافی را آموزش داده است. به گفته خودش، مردم آنجا قالی بافی را بلد بودند، اما گلیم بافی را نه. از آنجایی که بانخ‌های اضافه قالی می‌توانستند گلیم ببافند و نخ‌هایشان حرام نشود، زهره خانم این هنر را به آن‌ها آموزش داد.

این هنرمند در شهر مشهد هم به هر کسی قالی بافی رایاد بدهد، هفته‌ای یک بار می‌رود به او سر می‌زند. به قول خودش تازه کارها وقتی گری در کارشان می‌افتد، ناامید و خسته می‌شوند. زهره خانم چون دوست ندارد آن‌ها دل‌سرد شوند، هر هفته بدون اینکه هزینه‌ای بگیرد، نزدشان می‌رود و ایرادات و مشکل بافتشان را برطرف می‌کند.

او تعریف می‌کند: این باز دیده‌ها و رفت و آمد هاگاهی خیلی برایم سخت و اذیت‌کننده می‌شود. همین تازگی به منظور چله‌کشی برای یکی از بانفده‌هایم به بولوار شاهنامه رفته بودم. شب بود و در مسیر برگشت، راه را گم کردم. تنها در جاده‌ای بودم که نمی‌شناختم. داشتم به شدت ناراحت و عصبانی می‌شدم که یک لحظه لب‌خند و خوشحالی همین هنرجویم در ذهنم آمد و همه عصبانیتم محو شد. دو تا بچه کوچک دارند و نمی‌تواند بیرون از خانه کار کند. وقتی رفتم برایش چله‌کشی کردم، آن قدر خوشحال بود و تشکر می‌کرد که همین خوشحالی او به من انرژی داد تا سختی‌های کارم را بیشتر تحمل کنم.

این بانوی قالی باف ادامه می‌دهد: یک هنرجو داشتم که شوهرش معتاد بود و دو فرزند داشت. خیلی پشتکار داشت. یک ماهه کار را به من تحویل می‌داد. شب تا صبح پای دار می‌نشست. از راه همین درآمد، شوهرش را ترک داد. بعد هم با کمک هم یک زمین خریدند و خودشان آجر به آجرش را روی هم گذاشتند. وقتی خانه‌شان ساخته شده بود، من راد عوت کردند. وقتی دیدم زندگی‌شان روی پا شده است، خیلی خوشحال شدم.

## دورنگ بایک فرمول!

او دستش را روی دار قالی می‌گذارد و می‌گوید: خانم‌ها نمی‌دانند قالی بافی چقدر لذت بخش است. قابل وصف نیست. وقتی پایش بنشینند متوجه می‌شوند. در فضای مجازی یک کلیپ دیدم از اینکه در یکی از کشورهای غربی، بیماران را که افسردگی دارند، می‌بردند پای دار قالی چون برای کاهش استرس و افزایش تمرکز مغز بسیار مفید است. وقتی می‌بینم ما چنین هنری داریم و زنان ما قدر نمی‌دانند، حسرت می‌خورم.

زهره خانم باد و نفر در قم و ترکیه در ارتباط است و از طریق آن‌ها برای کشورهای ترکیه و آمریکا فرش دست باف ایرانی می‌فرستد. این فرش‌ها را هنرجوهای زهره خانم می‌بافند. او معتقد است اگر فرش خوب و تمیز بافته شود، در پستو هم که باشد، بالاخره دیده می‌شود و به فروش می‌رسد. رنگری نخ فرش‌هایی از کارهایی است که زهره خانم رویش دقت زیادی دارد. اومی گوید: علت اینکه فرش‌های کهنه و قدیمی ایرانی در کشورهایی مثل آمریکا طالب دارد، به خاطر جنس خوب نخ‌ها و رنگری اصیل آن‌هاست. به نظر این کار آفرین، رنگ خوب، فرش را به جلوه می‌آورد.

زهره خانم پای پاتیل‌های رنگ تجربیات تلخ و شیرین بسیاری را تجربه کرده است. از آنجاکه این کار مشکلات خاص خودش را دارد، برای خیلی از خانم‌ها ممکن است خسته‌کننده باشد؛ به ویژه اینکه در آوردن پشم‌های سنگین از درون پاتیل‌ها برای خانم‌ها سخت است و به تنهایی از عهده آن بر نمی‌آیند اما علاقه او به کارش آن قدر زیاد است که همه این سختی‌ها را به جان می‌خرد.

زهره خانم می‌گوید: برای اینکه رنگری رایاد بگیرم، علاوه بر آنچه از قدیم نزد پدرم یاد گرفته بودم، دو سال تمام، ماهی سه روز با توبوس می‌رفتم یزد و آنجا در کلاس‌های رنگری شرکت می‌کردم. هنوز هم هر از چندگاهی می‌روم تا اطلاعاتم را به روز کنم.

او تعریف می‌کند: یک بار برای شش فرش دوازده متری قرارداد بسته بودم. چهار صد کیلو نخ را انداختم داخل پاتیل تارنگ کنم. یکی از پاتیل‌هایم مس و دیگری استیل بود. در هر دو بایک فرمول رنگ ریختم اما صبح که آمدم نخ‌ها را در آورم، دیدم رنگ‌ها متفاوت شده است و آن‌جا فهمیدم که جنس پاتیل‌ها روی رنگ نهایی نخ‌ها اثرگذار است.

کاپیتان تیم ملی فانکشنال فیتنس  
از پیچ و خم سختی ها به موفقیت رسیده است

# قهرمانی سبک زندگی ام است



راه تجربه

سمیرا شاهیان از آن دست ورزشکارانی است که راه خود را نه از خانواده ورزشی و سالن های مجهز، بلکه با سرسختی و پافشاری روی علاقه اش پیدا کرده است. مسیّر فرشیید عمارلو، کاپیتان تیم ملی ایران در رشته فانکشنال فیتنس، مثل بیشتر ورزشکاران پراز فراز و فرود بوده است؛ از مخالفت خانواده تا نبود تجهیزات در سالن های ورزشی، اما پشتکار، مثل همیشه معجزه کرده و او را به قهرمانی رسانده است. این کارشناس ارشد رشته فیزیولوژی ورزشی که حدود یک ماه پیش، قهرمانی آسیا در عربستان را به دست آورده است، از راه های رفته و نرفته اش می گوید.

## ● مسیّر خودم را رفتم

سنگ بنای موفقیت او مثل همه کسانی که زود راهشان را پیدا می کنند، از نوجوانی گذاشته شد، ولی نه چندان ساده و راحت؛ پدرم سرسختانه مخالف فعالیت من در ورزش بود. او می خواست مهندس شوم، ولی من رشته تربیت بدنی را دوست داشتم. همین که در دبیرستان هم ریاضی فیزیک خواندم، به اصرار خانواده ام بود.

این ورزشکار ساکن محله فرهنگیان درباره آغاز مسیّر خود می گوید که علاقه مند به فوتبال بوده است؛ یک برادر و سه خواهر دارم و در میان آن ها تنها کسی که در خانواده ورزش می کرد، من بودم. در دبیرستان خیلی به فوتبال علاقه داشتم و در رده امید، عضو تیم های فوتسال فرش آرا بودم، ولی کم کم به این باور رسیدم که تنها چیزی که در فوتبال به آن توجه نمی شود، استعداد است و به آمادگی جسمانی رو آوردم.

## ● وقتی پدرم من را باور کرد

جوانی که امروز نامش در میان قهرمانان رشته کراس فیت است، پس از دریافت دیپلم، در رشته تربیت بدنی دانشگاه پیام نور قبول شد و درش را طی شش ترم به پایان رساند. پس از آن در سری بازی، برای کنکور کارشناسی ارشد درس خواند و در دانشگاه حکیم سبزواری، رشته فیزیولوژی ورزشی پذیرفته شد. درباره این دوره زندگی اش می گوید: تحصیلاتم با علاقه ام همسوسه بود و چون پیش تر بازیکن آقای مرتضی برگی زر (مربی فوتبال) بودم، پایان نامه ام را با همکاری تیم سفید جامگان مشهد به پایان رساندم. موضوع عش تأثیر هشت هفته تمرین کراس فیت

بر سطح آمادگی جسمانی بازیکنان فوتبال بود. این ورزشکار حرفه ای اضافه می کند: هم به خاطر فوتبالی بودن و هم فعالیت در کراس فیت، به عنوان مربی بدن سازی تیم سفید جامگان در سال ۱۴۰۰ انتخاب شدم و همکاری با بازیکنان کمک کرد که این تیم از سطح سوپرلیگ استانی به لیگ دسته ۳ کشور برسد. سال ۱۴۰۱ آغازی دیگر برای فرشید بود؛ او توانست با کمک و همراهی باشگاه دارهای مشهد، امکانات یک سالن ورزشی کراس فیت را کامل و تمرین برای پرورش هنرجویان این رشته را آغاز کند. همین دوره، آغازی دیگر برای پذیرش موفقیت های او در خانواده اش بود؛ پدرم وقتی موفقیت هایم را دید و تقریباً خاطرش جمع شد به آنچه می خواستم رسیده ام، گفت افتخار من هستی.

## ● کراس فیت در مشهد هنوز جای کار دارد

فرشید عمارلو سال ۱۴۰۱ به عضویت تیم ملی در آمد و همان سال برای مسابقات کره جنوبی آماده شد، ولی برای اوویزا صادر نشد و از این رقابت جا ماند. سال بعد در انتخابی تیم ملی شرکت کرد و برای اعزام به مسابقات آسیایی از پاکستان نماینده استان در تیم ملی شد. او درباره این مسیّر می گوید: در هیچ رشته ای، کسی در تیم ملی ثابت نیست. هر سال انتخابی برگزار می شود و حضور دوباره ات بستگی به عملکردت دارد، اما وقتی برای سال ها بتوانی آمادگی ات را حفظ کنی، یعنی حرفه ای زندگی کرده ای و موقعیت تثبیت شده است. کراس فیت برای او فقط یک رشته ورزشی نیست،

بلکه سبکی از زندگی است؛ رشته ای ترکیبی که آمادگی در پنج حوزه استقامت، قدرت، سرعت، انعطاف و مهارت را می ستجد. او توضیح می دهد: در مسابقات کراس فیت هر روز چند «واد» داریم، یعنی تمریناتی که روزانه طراحی می شوند؛ گاهی دویدن و شنا، گاهی وزنه برداری، ژیمناستیک یا تمرینات استقامتی. یعنی باید در چند حوزه قوی باشی، نه فقط در یکی. به همین دلیل ورزشکاران این رشته از آماده ترین ورزشکاران دنیا هستند. این مربی کراس فیت درباره امکانات سالن های ورزشی شهرمان در این رشته توضیح می دهد: استان مادر این رشته هنوز فاصله زیادی با شهرهایی مانند تهران دارد، اما با تلاش مربیان و ورزشکاران جوان، حالا هم چند باشگاه ورزشی با امکانات خوب در شهرمان فعال است که به ورزشکاران خدمات می دهد.

## ● رؤیای جهانی شدن

کاپیتان تیم ملی فانکشنال فیتنس ایران پس از سال ها تلاش، یک هدف روشن دارد و بیان می کند: بعد از مسابقات آسیایی، آرزویم شرکت در رویداد جهانی «کراس فیت گیمز» است. این رقابت، هر سال برگزار می شود و آرزوی هر کراس فیتی است که جزو برترین های دنیا باشد. فرشید با بیان اینکه کراس فیت محدودیت سنی ندارد و تا رده مثبت پنجاه سال هم برگزار می شود، می افزاید: این رشته پایانی ندارد. مثل یک اعتیاد سالم است. کسی که واردش می شود، دیگر نمی تواند آن را کنار بگذارد. او این روزها همچنین تمرکزش را بر پرورش علاقه مندان این رشته گذاشته است و می گوید: چند ورزشکار در کنارم تمرین می کنند که امید دارم آینده درخشانی داشته باشند. می خواهم به آن هانسان بدهم اگر باور و تلاش باشد، هر کاری شدنی است.

## جسارت را یاد گرفتیم

مهرداد معظمی، متولد ۱۳۷۹

قبل از آشنایی با آقا فرشید اصلا ورزش نمی کردم. وقتی در رشته تربیت بدنی قبول شدم، ترم اول فهمیدم از نظر آمادگی جسمانی ضعیفم؛ به همین دلیل دنبال رشته ای رفتم که بدنم را قوی کند. خیلی اتفاقی در یک باشگاه او را دیدم. اوایل از سخت گیری های آقا فرشید در تمرینات به گریه می افتادم، اما امروز می دانم همان سخت گیری ها باعث رشد من شد. الان ورزش برایم فقط علاقه نیست، مسیّر زندگی ام است. آقا فرشید به من جسارت می دهد. او همیشه می گوید باید در سطح حرفه ای مسابقه بدهم تا ذهنم قوی تر شود.

بخشی از  
کارنامه ورزشی فرشید عمارلو  
● کاپیتان تیم ملی فانکشنال فیتنس

- قهرمان آسیا ۲۰۲۵
- قهرمان کشور ۱۴۰۴
- قهرمان کشور ۱۴۰۳
- نفر سوم کشور ۱۴۰۲
- قهرمان استان ۱۳۹۹
- قهرمان استان ۱۳۹۷



## می ترسیدم به جایی نرسد

علیرضا عمارلو، پدر کاپیتان تیم ملی فانکشنال فیتنس

فرشید در دبیرستان، ریاضی فیزیک می خواند و می توانست در رشته های مهندسی پیشرفت کند. اما علاقه اش به ورزش بیشتر بود. اول دنبال فوتبال را گرفته بود و بعد که دانشگاه قبول شد، سراغ آمادگی جسمانی رفت. ماهرچه تلاش کردیم او را از مسیّر ورزش برگردانیم، نشد. همه پدرها و مادرها نگران آینده فرزندشان هستند. من هم مثل بقیه پدرها، اول فکر می کردم این علاقه گذراست؛ با دست کم دوست داشتم در ورزش، کشتی را دنبال کند. می ترسیدیم راهی که انتخاب کرده است، به جایی نرسد. چون خودم کار آزاد دارم، همیشه دلم می خواست پسر مرا از نظر شغلی، سرو سامان پیدا کند. برای همین همیشه به پسرم می گفتم دنبال کاری باش که آینده و امنیت شغلی داشته باشد. اما حالا که می بینم موفق شده است، به خودم می گویم باید زود تر به او اعتماد می کردم. البته گلاهی ای دارم که شاید در دلد خیلی از خانواده های ورزشکاران باشد. این رشته ها در کشور ما حمایت نمی شوند. پسر من سال ها شب و روز تمرین می کند، اما نه بیمه و نه جایگاهی در استخدام های ورزشی دارد. از مسئولان انتظار دارم نگاهی جدی تر به این رشته ها داشته باشند. حالا هم فقط دعا می کنم موفق تر شود؛ چون می بینم برای علاقه اش از جان مایه می گذارد.

بخشی از بولوار استاد یوسفی منطقه ۱۰ به نام شهید دانشمند هسته‌ای تغییر نام پیدا کرد

## یاد طهرانچی بر تابلو شهر

۱۰



مکان نما

عظیمی، عضو شورای اجتماعی این محله، هم این مطلب را تأیید می‌کنند. او با اشاره به اینکه تقریباً در هیچ کدام از تصمیم‌های شهری نظراً اعضای شورا پیرسیده نمی‌شود، می‌گوید: ما افتخار می‌کنیم که محله ما به نام شهید باشد، آن هم یک دانشمند هسته‌ای؛ اما توقع داشتیم برای این تغییر نام از اهالی محل یا حداقل از اعضای شورای اجتماعی نظرسنجی شود.

ناهد فریدنیا، رئیس اداره نام‌گذاری معابر و تابلونویسی سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، درباره این خواسته اهالی می‌گوید: قرار است برنامه رونمایی از تابلو بولوار شهید طهرانچی برگزار شود. به همین دلیل تابلو اصلی ورودی بولوار از سمت بولوار امامیه و خیابان شریعتی ۳۹ هنوز نصب نشده است و منتظر خبر دانشگاه آزاد اسلامی مشهد برای اجرای مراسم هستیم.

### ● چهره علمی شهید طهرانچی

محمد مهدی طهرانچی متولد سال ۱۳۴۴ خورشیدی در تهران بود که کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فیزیک حالت جامد را در دانشگاه شهید بهشتی گذراند.

شهید طهرانچی استاد تمام با پایه ۴۱ در دانشکده فیزیک دانشگاه شهید بهشتی و چهره‌ای شناخته شده در حوزه علم فیزیک بود که تألیف دوازده کتاب و ثبت هشت اختراع در کارنامه علمی او دیده می‌شود. در سوابق مدیریتی شهید طهرانچی سابقه ریاست دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ قرار دارد و از آبان ۱۳۹۷ با حکم رهبر انقلاب به عنوان رئیس دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت می‌کرد. شهید محمد مهدی طهرانچی صبح روز جمعه، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، در حمله رژیم صهیونیستی به مجتمع اساتید سرو به شهادت رسید.

این است که نام شهدا از آن برداشته نشده است؛ مثلاً من در استاد یوسفی ۱۳ ساکن هستم که مزین به نام شهید مهدی صباغی بود و حالا هم نام این شهید زیر اسم شهید دکتر مهدی طهرانچی حک شده است. این را هم بگویم که زمان می‌برد تا به نام‌گذاری جدید عادت کنیم. هنوز خیلی از همسایه‌ها نمی‌دانند که تابلو کوچه به نام شهید طهرانچی تغییر نام پیدا کرده است.

### ● کاش اطلاع‌رسانی می‌کردند

کمی بالاتر به دودانشجوی پسر می‌رسیم که زیر تابلو طهرانچی ۱۷ ایستاده‌اند، درست کنار بوستان دانش. وقتی از آن‌ها درباره تغییر نام خیابان می‌پرسیم، یکی شان با تعجب می‌گوید: مگر نام خیابان عوض شده است؟ بعد هم سریع، تابلو بالای سرش را نگاه می‌کند.

آن طور که در گشت و گذار میدانی معلوم می‌شود، اهالی محله استاد یوسفی درباره این تغییر نام بی‌اطلاع بوده‌اند. محمد باقر

رضاریاحی بولوار استاد یوسفی در محدوده قاسم‌آباد این روزها تابلویی تازه بر خود می‌بیند و به نام شهید «دکتر مهدی طهرانچی» مزین شده است؛ استاد دانشگاه تهران که عمرش را در مسیر علم و پژوهش گذراند و سرانجام در جنگ دوازده روزه کشورمان با رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. نام او اکنون بر خیابانی نقش بسته است که به دانشگاه آزاد مشهد منتهی می‌شود؛ مسیری که هر روز استادان و دانشجویان از آن می‌گذرند و یاد مردی را زنده می‌کنند که علم را با ایثار معنا کرد. این نام‌گذاری ادای دینی است به استادی که راه دانش را تا مرز جهاد ادامه داد.

### ● چه کسی او را نمی‌شناسد؟

چهارشنبه هفته‌پیش بود که تابلوهای بخشی از بولوار استاد یوسفی به نام شهید دکتر طهرانچی تغییر نام پیدا کرد. بیشترین بولوار از خیابان شریعتی ۳۹ در محله شاهد آغاز می‌شد و تا خیابان شهید گردنوغانی در محله رازی ادامه داشت. براساس مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد، بخش ابتدایی بولوار، از ابتدای شریعتی ۳۹ تا تقاطع امامیه به نام شهید دکتر طهرانچی نام‌گذاری شده است و بخش پایانی آن همچنان به نام بولوار استاد یوسفی شناخته می‌شود. حوالی دانشگاه آزاد مسجد حضرت محمد (ص) یا مرده‌مسنی که تقی رحمانی نام دارد، گفت وگویی کنیم. وقتی از او درباره شهید دکتر طهرانچی سؤال می‌کنیم، سری تکان می‌دهد و می‌گوید: چه کسی او را نمی‌شناسد؟ همه می‌دانیم دانشمند هسته‌ای بوده و در جنگ دوازده روزه با رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده است. رحمانی می‌گوید: خوبی تابلوهای جدید



دختر کاراته‌کار محله ولی عصر (عج) از بزرگ‌ترین حامی‌اش در ورزش می‌گوید

## سایه پدر بر سکوی افتخار



امید محله



### ● به جز کاراته کدام ورزش را بیشتر دوست داری؟

والیبال و اسکی. خیلی وقت‌ها این دو ورزش را تمرین می‌کنم، به‌ویژه والیبال که مادر هم آن را به‌طور حرفه‌ای بازی می‌کند.

### ● در هفته چند روز تمرین می‌کنی؟

هفته‌ای سه روز به باشگاه می‌روم و هر بار دو ساعت تمرین می‌کنم. این به جز تمریناتی است که در خانه دارم.

### ● برای دخترهای هم‌سن و سالت چه پیامی داری؟

به همه توصیه می‌کنم ورزش کنند. ورزش فقط برای مسابقه و رقابت نیست؛ برای قوی شدن جسم و ذهن است. اگر تلاش کنیم به هر آنچه بخواهیم، می‌رسیم.

### ● دوست داری مربی کاراته شوی؟

بله؛ همین الان هم چون دان یک کاراته دارم، بچه‌های باشگاه را تمرین می‌دهم. در زنگ ورزش نیز مربی کاراته هم کلاسی‌هایم هستم.

### ● برای آینده چه آرزویی داری؟

دوست دارم به عنوان نماینده ایران در رقابت‌های المپیک حضور داشته باشم.

مسابقات کشوری قهرمان شدم؛ اولی سال ۱۴۰۲ در تهران، دومی سال گذشته در تبریز و سومی امسال در رقابت‌های کشوری مشهد. هر سه طلای کشوری برای من به یک اندازه جذاب و خاطره‌انگیز بود.

### ● وقتی مدال قهرمانی کشور را گرفتی، اولین کسی که به او فکر کردی چه کسی بود؟

پدرم. او بزرگ‌ترین حامی من است. همیشه در مسابقات کشوری مرخصی می‌گیرد و همراه من می‌آید که تنها نباشم. حضورش برای من دلگرمی است.

رضاریاحی اذلسایاوری، دختر نه‌ساله‌ای که از حالا نامش در مسابقات کاراته کشوری می‌درخشد، در خانواده‌ای ورزشی قد کشیده، پدری فوتبالی و مادری والیبالی، برای آموزش رقابت نیست؛ شیوه‌ای از زندگی است. تمرین‌های سخت را با پشتکار کودکانه‌اش پشت سر می‌گذارد و هر بار با مدالی تازه برمی‌گردد.

### ● کاراته را از چند سالگی شروع کردی و چه شد که به این رشته ورزشی علاقه‌مند شدی؟

از چهار سالگی. دودختر عمه دارم به نام‌های الناز و فرناز که بهترین دوستان من هستند و هر دو هم کاراته تمرین می‌کنند. من به خاطر آن‌ها به کاراته علاقه‌مند شدم.

### ● اولین باری که رفتی روی تاتامی، چه احساسی داشتی؟

مسابقات استانی بود و من کلاس اول بودم. با خودم گفتم ورزش قهرمانی را از همین جاشروع می‌کنم و بعد از آن ۱۰ مدال استانی و کشوری کسب کردم.

### ● بهترین مدالی که گرفتی، چه بود؟

به جز مقام‌های قهرمانی استان، سه بار در



با همت اداره فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ و پیگیری شهرآرامحله در خیابان شهید فلاحي ۲۰۱ انجام شد

## ترمیم زخم‌های پیاده‌رو



به گفته مسعود کتابداری، بولاردهای بتنی مرمت شده نشانه گذاری شده است و اگر بار دیگر تخریب شود، عاملان آن باید جریمه بپردازند و با آن‌ها به شیوه قانونی برخورد خواهد شد.



معبر شهید فلاحي ۲۰۱ برای چندمین بار مرمت شد. برخی از کسبه برای اینکه جای پارک خودرو داشته باشند یا اقلام مغازه خود را راحت تر تخلیه کنند، اقدام به تخریب بولاردهای بتنی می‌کنند.



ریاحی ۳۰ مهر امسال بود که در شهرآرامحله، گزارشی درباره رفتار نامناسب برخی مغازه داران معبر شهید فلاحي ۲۰۱ یا همان راسته اسباب بازی فروشی‌ها و تخریب سنگ فرش‌ها و کندن بولاردهای بتنی از سوی آن‌ها به چاپ رسید. در این گزارش، اهالی درخواست مرمت سنگ فرش‌هایی را داشتند که برخی از کسبه خیابان برای ایجاد جای پارک تخریب کرده بودند. حال دو هفته پس از انتشار این گزارش، بولاردهای بتنی کنده شده معبر فلاحي ۲۰۱ و سنگ فرش‌های بتنی تخریب شده، مرمت شده است. رئیس اداره فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ در این باره به شهرآرامحله گفت: به درخواست اهالی، بولاردهای بتنی و سنگ فرش‌های پیاده‌راه

بازخورد

## کوچه محبوب بچه‌ها



رضایاحی ادر قلب محله لشکر مشهد، معبر شهید فلاحي ۲۰۱ بارنگ و شور کودکی زنده است؛ کوچه‌ای که بوی نوستالژی و هیجان در آن جریان دارد. این معبر راسته اسباب بازی فروش هاست، جایی که ویتترین‌های پر از رنگ و لبخند، بچه‌ها و حتی آدم بزرگ‌ها را به دنیای خیال می‌برد. از عروسک و ماشین و دفتر و مدارنگی گرفته تا دو چرخه و موتور و سرویس خواب بچه در این معبر یافت می‌شود. اینجا گذرگاهی است که به یکی از نقاط اجتماع محور منطقه ۱۰ بدل شده است.

کوچه فلاحي ۲۰۱  
محله لشکر



علی حسین دوست، قدیمی ترین فروشنده راسته اسباب بازی فروش هاست. او دوازده سال است که در این معبر اسباب بازی می‌فروشد. علی آقامی گوید: اولش من بودم و یکی دو مغازه دیگر. اما از سه سال پیش، این خیابان، بورس فروش اسباب بازی در غرب مشهد شد.



در سرتاسر این کوچه، پیاده‌راهی برای تردد راحت تر عابران و خریداران احداث شده است. در بخش‌هایی از معبر هم نیمکت و روشنایی مناسب برای استراحت اهالی در نظر گرفته شده است.



بوستان جمع و جور و نقلی ریحان از پانزده سال پیش در انتهای این معبر بنا شده است و نیمکت و روشنایی مناسبی هم دارد.